

وضاحت فشرده ای در مورد فرارود (ماورا النهر) Transoxania

به یادم آمد که چند روزی پیش دوستان نهایت عزیز و گرانقدر شوخی گونه و تقریباً استهزا آمیز، روی واژه نامه های " پار دریا" ، و " ماورا النهر" عباره هایی را از طریق کتاب مهمان با هم نثار خواننده های " سیمای شغنان" نمودند که در وحله نخست باعث جلب توجه و بعد سبب تأمل بیشتر در راستای بینش گسترده تر در زمینه شناسایی این واژه نامه ها گردیده است.

خواستم من حیث خواننده خوب، فهم و بینش خود را پیرامون این واژه نامه ها این گونه به تفسیر و تعبیر نشینم: بدون تردید دوستان میدانند که واژه " فرارود" ، که دارای سابقه طولانی تاریخی و زبانی در زبان و ادبیات فارسی- دری است، در گذشته های نهایت قدیم در **فارسی** و یا **پارسی** قدیم به نام " پر دری" ، که همان " پاردریای" ، مستعمل امروز است، کار برد داشته است. واژه فرارود که معنی " آن سوی دریا" را میرساند، معادل است با واژه " پار دریا" ، که در زبان پارسی باستان، **پردری** یاد می شده است. حتی موجودیت نمونه ای از واژه **پردری** را در زبان های فارسی - دری معاصر، زبان پشتو، و زبان های پامیری به ویژه زبان شغنانی مشاهده کرده می توانیم. مانند:

" سال پار" ، " پار سال" " پر واس" ، " پرون" ، " پارینه" ، " پرار سال" ، که پیشینه های : **پار**، **پر**، **پرار**، معنی و مفهوم گذشتن، گذشته، و آن سوی را میرسانند که امروز نیز در زبان های ملی و منطقوی ما و شما کار برد دقیق دارند. واژه " فرارود" ، به زبان **فارسی - دری و زبان تاجیکی - دری** است، و بعد آنکه عرب ها سرزمین آسیای میانه را که در آن وقت فرارود یاد می شد، به تصرف خود در آوردند و بعد آن " ماورا النهر" ، تبدیل نمودند و که سرزمینی گفته میشود که در میان دو رود، یا دو دریا، **آمودریا** و **سیر دریا**، موقعیت جغرافیایی دارد. در واقع معنی اصلی آن ، آن سوی رود **آمو (جیحون یا آمودریا)**، است. این سرزمین بخشی از آسیای میانه است.

این سرزمین در دوران حاکمیت هخامنشی ها، جز ای از ساتراپی سغد و منطقه سغدیانا بوده است.

نام این سرزمین (منطقه)، در فارسی باستان "پردری" بود و در زبان پهلوی "فرارود"، که در سده اول هجری اشغالگران عرب این منطقه را ماورا النهر نام نهادند. فردوسی بزرگ در مورد این گونه تغییر چنین می سراید:

اگر پهلوانی ندانی زبان فرارود را ماورا النهر خوان

در این جا مقصد از واژه پهلوانی زبان پهلوی است، که گویا اگر فردی از زبان، تاریخ و فرهنگ خود بیگانه شده باشد و زبان پهلوی را یاد نداشته باشد، بدون تردید واژه فرارود را که از زبان پهلوی اشتقاق یافته و ریشه گرفته است، آن را ماورا النهر خواهد خواند. برخی از شهر های این سرزمین عبارتند از :

سمرقند، بخارا، چاچ (تاشکنت)، نخشب، (نَسَف یا قَرشی)، ترمذ، خیوه، یا بنیوه، شهر سبز، (کش، اندگان)، (اندیجان)، جیزخ (دیزک، یا دزک)، خوقند، قوقند، یا هم (قوقند)، کات (که ویرانه های این شهر نزدیک شهر بیرونی در آستان قره قالیپاقستان است)، و نمگان در ازبکستان کنونی.

خجند، کولاب، استروشن، (آراتیه یا اسروشنه)، پنج کنت (زادگاه رودکی استاد شاعران)، دوشنبه، قُرغان تپیه در تاجیکستان کنونی. یسی (حضرت ترکستان)، تراز و پاراب، (آترار)، اسپجباب (سیرام در نزدیکی شمنت) در قزاقستان کنونی. اوش، بلا ساغون و اوزگند در قرغزستان کنونی .

به امید پیروزی بهروزی شما

پیکار